

بررسی تأثیر تسلط اجتماعی مخاطب بر کاربرد نوع و تعداد راهبردهای درخواست توسط دختران نوجوان و جوان گویشور بلوچی سرحدی

عباسعلی آهانگر^{۱*}، صدیقه زینلی دستویی^۲، سمیه میرکازهی^۳

۱. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

Investigating the Effect of the Addressee's Social Dominance on Type and Number of Request Strategies Employed by Adolescent and Young Female Sarhaddi Balochi Speakers

Abbas Ali Ahangar^{*1}, Seddigheh Zeynali Dastuyi², Somayeh Mirkazehi³

1. Professor of Linguistics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

2. Assistant Professor of Linguistics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

3. M.A. Student in Linguistics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Received: 2022/04/05

Accepted: 2022/06/01

10.30473/il.2023.63531.1529

Abstract

The addressee's social dominance as well as the age of the subjects are among the factors influencing the use of type and number of request strategies by the speakers of any language. The purpose of the present research is to study the effect of the addressee's social dominance on the type and number of request strategies employed by adolescent and young female Balochi Sarhaddi speakers based on the components of Blum-Kalka, House and Kasper's (1989) Cross Cultural Speech Act Realization Project model. Research data were collected from 60 female subjects through discourse completion test and role play. In this regard, all request strategies employed were identified, coded, described and then analyzed by Chi-square test. The results showed there was not a significant relationship in the use of type and number of strategies in DCT and role play between the addressee's social dominance and the age of the subjects (except when the interlocutors have equal status). Moreover, the most commonly used types of strategies were pronouns, hedged performatives, grounders, and politeness markers. Also, increasing the addressee's social dominance towards the speaker resulted in using more complicated strategies by the subjects. Furthermore, new strategies such as saying "Mashaalla", "swearing" and "complimenting" were used by the subjects. Therefore, the research findings contribute to the explanation of universal and specific cross cultural-linguistic strategies based on the research model.

Keywords: Speech act, Social dominance, Request strategies, Age, Sarhaddi Balochi, Sociolinguistics.

چکیده

انتظار می‌رود که تسلط اجتماعی مخاطب و نیز سن آزمودنی‌ها بر کاربرد نوع و تعداد راهبردهای درخواست توسط گویشوران هر زبانی تأثیرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر تسلط اجتماعی مخاطب بر کاربرد نوع و تعداد راهبردهای درخواست توسط دختران نوجوان و جوان گویشور بلوچی سرحدی بر اساس راهبردهای الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی بلام-کالکا، هاوس و کاسپر (۱۹۸۹) است. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه تکمیل گفتمان و روش ایفای نقش توسط ۶۰ آزمودنی دختر جمع‌آوری شد. در این راستا، همه راهبردهای درخواست به کار برده شده بر اساس الگوی پژوهش شناسایی، کدگذاری، توصیف و سپس با استفاده از آزمون Chi-square تحلیل شدند. نتایج نشان داد رابطه‌ای معنادار بین تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها در کاربرد نوع و تعداد راهبردها در هر دو روش تکمیل گفتمان (به جز موقعیت اجتماعی برابر با مخاطب) و روش ایفای نقش وجود ندارد. بعلاوه، پرکاربردترین نوع راهبردهای درخواست مربوط به «ضمیر»، «کنش تعدیلی»، «زمینه‌سازها» و «تشانگر ادب» بود. همچنین، افزایش میزان تسلط اجتماعی مخاطب نسبت به گوینده موجب به‌کارگیری راهبردهای ترکیبی بیشتر توسط آزمودنی‌ها شد. افزون‌براین، راهبردهای جدیدی مانند گفتن «ماشاءالله»، «قسم‌خوردن» و «تعارف‌کردن» توسط آزمودنی‌ها استفاده گردید. بنابراین، یافته‌های پژوهش در تبیین راهبردهای جهانی و خاص میان‌فرهنگی-زبانی درخواست برپایه الگوی پژوهش سهم دارد.

کلیدواژه‌ها: کنش گفتار، تسلط اجتماعی، راهبردهای درخواست، سن، بلوچی سرحدی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Abbas Ali Ahangar

Email: ahangar@english.usb.ac.ir

* نویسنده مسئول: عباسعلی آهانگر

مقدمه

قدرت متمرکز است. این الگو به بررسی تنوعات میان‌فرهنگی و درون‌زبانی در بین گویشوران بومی و غیربومی هشت زبان و گونه‌زبانی در ارتباط با دو کنش گفتاری درخواست و عذرخواهی به کار برده شده‌است (بلام-کالکا و همکاران، ۱۹۸۹: ۱۱). از دیدگاه آن‌ها، در حقیقت، درخواست پیش‌رخداد و عذرخواهی پس‌رخداد است. در این ارتباط، «اهداف مطالعاتی الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی عبارت‌اند از: الف) مطالعه‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در تشخیص الگوهای کنش‌های گفتاری مناسب میان زبان‌های مختلف با در نظر گرفتن محدودیت‌های اجتماعی مشابه (تنوع میان‌فرهنگی^{۱۶})، ب) مطالعه‌ی اثرات متغیرهای اجتماعی در تشخیص الگوهای کنش‌های گفتاری مناسب درون جامعه‌ی گفتاری خاص (تنوع اجتماعی- کاربردی^{۱۷})، و ج) مطالعه‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در تشخیص الگوهای مناسب کنش‌های گفتاری میان گویندگان بومی و غیربومی زبان‌های مورد مطالعه با در نظر گرفتن محدودیت اجتماعی مشابه (تنوع بین‌زبانی^{۱۸})» (بلام-کالکا و همکاران، ۱۹۸۹: ۱۳-۱۲). علاوه بر این، طبق گفته بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹: ۲۸۰-۲۷۸)، راهبردهای زیر بر اساس میزان صراحت درخواست از بیشترین تا کمترین درجه مرتب شده‌اند

۱. درخواست وجهی^{۱۹}، ۲. کنش صریح^{۲۰}، ۳. کنش تعدیلی^{۲۱}، ۴. درخواست بیانی^{۲۲}، ۵. اظهار خواسته^{۲۳}، ۶. قالب پیشنهادی^{۲۴}، ۷. آماده‌سازی یا کنش مرسوم غیرصریح^{۲۵}، ۸. اشاره‌ی قوی^{۲۶} و ۹. اشاره‌ی کوتاه^{۲۷}. به‌علاوه، از جمله متغیرهای اجتماعی که بر چگونگی تحقق یا بازنمایی انواع راهبردهای درخواست توسط سخنگویان زبان‌ها و گویش‌های مختلف تأثیر می‌گذارد می‌توان تسلط اجتماعی، فاصله اجتماعی، سن، تحصیلات، جنسیت و... را نام برد.

گونه‌زبانی مورد مطالعه این پژوهش بلوچی سرحدی است. به عقیده کرن^{۲۸} (۲۰۰۳: ۴۹)، «زبان بلوچی متعلق به دسته‌ی به اصطلاح شمال غربی زبان‌های ایرانی است که

نظریه کنش گفتاری^۱ یکی از مباحث عمده مطرح در کاربردشناسی است. این رویکرد بر این واقعیت تأکید دارد که مردم هنگام کاربرد زبان چندین عمل را به‌طور همزمان انجام می‌دهند. آنچه در این رویکرد تازگی دارد، تأکید بر بعد اجتماعی آن است که ما به هنگام تولید یک گفته معنادار در یک بافت مشخص انجام می‌دهیم. این عمل یک کنش گفتاری یا کرداری مانند یک حکم، یک سؤال، یک سوگند، یک تبریک یا تهدید است (ون‌دایک^۲، ۱۳۸۲: ۳۸). نظریه کنش گفتاری برای نخستین بار از سوی آستین^۳ (۱۹۶۲) ارائه شده است (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). به اعتقاد آستین، تولید یک کارگفت [کنش گفتاری] نیازمند گوینده‌ای است که چنین پاره‌گفتاری را تولید کند و از شرایط کارایی^۴ برخوردار باشد (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۷۵). سرل^۵ (۱۹۶۹) نیز به بررسی ماهیت کنش‌های گفتاری و طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته‌است. به گفته سعید^۶ (۲۰۱۲)، سرل تحت تأثیر آراء آستین، انواع کنش گفتاری بر حسب کنش منظوری افراد را بدین صورت طبقه‌بندی می‌کند: کنش‌های اظهاری^۷، ترغیبی^۸، تعهدی^۹، عاطفی^{۱۰} و اعلامی^{۱۱}. از میان کنش‌های گفتاری مختلف «درخواست» یکی از مهم‌ترین کنش‌ها می‌باشد که نمونه بارز کنش گفتار ترغیبی سرل است (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

براون و لوینسون^{۱۲} (۱۹۸۷) معتقدند که درخواست یکی از کنش‌های تهدید وجهه^{۱۳} است و برای برقراری ارتباط مناسب، وجهه طرف مقابل باید حفظ گردد. در این راستا، مطالعه‌ی میان‌فرهنگی و میان‌زبانی در دو کنش گفتاری درخواست و عذرخواهی در الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی^{۱۴} انجام شده‌است. این الگو برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ توسط بلام-کالکا مطرح شد. الگوی تجدیدنظر شده آن در سال ۱۹۸۹ توسط بلام-کالکا، هاوس و کاسپر^{۱۵} ارائه، و بر روی مفاهیم فاصله اجتماعی، تسلط اجتماعی و یا

16. cross cultural variation
17. sociopragmatic variation
18. interlanguage variation
19. mood derivative
20. explicit performative
21. hedged performative
22. locution derivable
23. want statement
24. suggestory formula
25. preparatory or conventionally indirect
26. strong hint
27. mild hint
28. A. Korn

1. Speech Act Theory
2. T.A. van Dijke
3. J. L. Austin
4. felicity conditions
5. J. Searl
6. J. Saeed
7. representative
8. directive
9. commissive
10. expressive
11. declarative
12. P. Brown and S. C. Levinson
13. face threatening act
14. Cross Cultural Speech Act Realization Project /CCSARP
15. S. Blum-Kulka, J. House, G. Kasper

سرحدی و میزان تطابق آن‌ها با راهبردهای الگوی پژوهش می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در این بخش، تعدادی از پژوهش‌های مربوط به حوزه کنش گفتاری و نیز تسلط اجتماعی ارائه می‌گردد.

کوهی و جدیدی (۲۰۱۲) به بررسی «درک و تولید ادب زبان‌آموزان ایرانی از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی^۲ در سه کنش گفتاری درخواست، امتناع و عذرخواهی» پرداختند. داده‌های آماری به‌دست آمده با استفاده از الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) کدگذاری و مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد شرکت‌کنندگان دانش کافی درباره کنش گفتاری درخواست و استراتژی‌های ادب دارند. در کنش گفتاری درخواست و امتناع، به راهبردهای غیرصریح تمایل داشتند، اما در معذرت‌خواهی صریح‌تر عمل می‌کردند. جنسیت به‌عنوان متغیر فرهنگی بر روی راهبردهای حفظ وجهه تأثیر داشت و بر اساس نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷)، زبان‌آموزان ایرانی عمدتاً به کاربرد راهبردهای ادب سلبی متوسل می‌شدند.

زینلی-دستوتی (۱۳۹۰) نوع و تعداد راهبردهای عذرخواهی و رد کردن به‌کاربرده شده توسط دانشجویان گویشور بلوچی سراوانی را با در نظر گرفتن تأثیر یا عدم تأثیر قدرت و جنسیت مخاطب طبق الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) توصیف و تحلیل کرد. نتایج مربوط به قدرت مخاطب نشان داد قدرت مخاطب بر نوع راهبردهای عذرخواهی به‌کار برده شده توسط دانشجویان مرد سراوانی تأثیری ندارد. اما بر اساس تعداد راهبردهای مورد نظر، قدرت مخاطب در برخی از موقعیت‌ها موثر و در برخی دیگر بی‌تأثیر است. همچنین، در تمام موقعیت‌های عذرخواهی، قدرت مخاطب بر نوع و تعداد راهبردهای عذرخواهی به‌کار برده شده توسط دانشجویان زن سراوانی تأثیر دارد. در ارتباط با راهبردهای رد کردن، نتایج حاکی از آن است که قدرت مخاطب بر نوع راهبردهای رد کردن به‌کار برده شده توسط دانشجویان مرد سراوانی تأثیری ندارد. همچنین، در بیشتر موارد، قدرت مخاطب بر تعداد راهبردهای به‌کار برده شده توسط این گویشوران تأثیر دارد. افزون بر این، قدرت مخاطب بر نوع و تعداد راهبردهای رد کردن به‌کار برده شده توسط دانشجویان زن سراوانی تأثیر دارد.

دیگر زبان‌های ایرانی نو همچون کردی، زازاکی، گیلکی، مازندرانی و تالشی را شامل می‌شود. در حالی که فارسی، لری، بختیاری و ... به عنوان دسته‌ی زبان‌های ایرانی جنوب غربی دسته‌بندی می‌شوند». همچنین، گویش بلوچی سرحدی نیز از جمله گویش‌های بلوچی غربی است که در شمال بلوچستان ایران در خاش، خراسان، گلستان، و نیز در افغانستان و ترکمنستان و در شمال غربی بلوچستان پاکستان صحبت می‌شود (جهانی^۱ و کرن، ۲۰۰۹).

این پژوهش قصد دارد تأثیر تسلط اجتماعی مخاطب بر کاربرد نوع و تعداد راهبردهای درخواست توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران جوان دانشجوی کارشناسی ارشدی که گویشور بلوچی سرحدی هستند را بر اساس الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) بررسی، توصیف، مقایسه و تحلیل نماید. بنابراین پژوهش حاضر به‌طور خاص در صدد پاسخ به پرسش‌های زیر از طریق ارزیابی فرضیه‌های متناظرشان است:

۱- چه نوع رابطه‌ای بین تسلط اجتماعی مخاطب و نوع راهبردهای درخواست به‌کاربرده شده توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران دانشجوی ارشد گویشور بلوچی سرحدی وجود دارد؟

۲- چه نوع رابطه‌ای بین تسلط اجتماعی مخاطب و تعداد راهبردهای درخواست به‌کار برده شده توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران جوان دانشجوی ارشد گویشور بلوچی سرحدی وجود دارد؟

۳- با توجه به تسلط اجتماعی مخاطب، نوع و تعداد راهبردهای درخواست به‌کاربرده شده توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران جوان دانشجوی ارشد گویشور بلوچی سرحدی چگونه بازنمایی می‌شود؟

درواقع، الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی که توسط بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) ارائه گردید، به دنبال کشف اصول کاربردی مشترک در زمینه کنش‌های گفتاری در زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون است. از این‌رو، مطالعه و بررسی زبان‌ها و گویش‌های گوناگون به‌منظور اثبات فرضیه جهانی‌های کاربردی در زمینه کنش‌های گفتاری امری ضروری به‌حساب می‌آید. در راستای این امر و با توجه به مطالعات قابل توجهی که در حوزه‌های مختلف زبان بلوچی صورت گرفته‌است، این پژوهش برای اولین بار به توصیف و بررسی راهبردهای کنش گفتاری درخواست در گویش بلوچی

مستقر در هتل‌ها پرداخت. وی سخنرانی گویندگان ایرانی انگلیسی زبان و کانادایی‌های بومی انگلیسی زبان را برای پی بردن به شباهت‌های احتمالی و یا تفاوت بین تحقق درخواست و همچنین بررسی تأثیر متغیرهای موقعیتی قدرت، فاصله اجتماعی و تأثیر زبان اول در آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داد. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه تکمیل گفتمان (DCT) در ۱۲ موقعیت به دست آمد و براساس الگوی کنش‌گفتار میان‌فرهنگی بلام-کالکا و اولشتاین^۲ (۱۹۸۴) کدگذاری و تحلیل شد. نتایج نشان داد که فرهنگ فارسی بیشتر بعلا اتحاد و ایجاد صمیمیت صریح و ادب ایجابی-محور است و زبان‌آموزان ایرانی زبان انگلیسی برای کاهش تهدید و وجهه از متغیرهای بیشتری در بیان درخواست خود استفاده می‌کردند. درحالی‌که فرهنگ کانادایی تمایل به غیرصریح بودن دارد و ادب سلبی-محور است. ایرانی‌ها تغییرات بیشتری در عملکرد درخواست خود بروز داده و نسبت به اختلاف قدرت حساسیت بیشتری نشان دادند. کانادایی‌ها ثابت بودند و در بیشتر شرایط از راهبردهای غیرصریح متعارف استفاده می‌کردند. بنابراین، نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که معیارهای ارتباطی در دو گروه به علت تفاوت‌های فرهنگی متفاوت است.

آزیزیاری و باووز^۳ (۲۰۱۷) به مطالعه راهبردهای درخواست و عذرخواهی دانشجویان کارشناسی زبان خارجی و توانش زبانی و کاربردی آن‌ها در بیان درخواست و عذرخواهی با استفاده از الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) و الگوی عذرخواهی اولشتاین و کوهن^۴ (۱۹۸۳) پرداختند. نتایج نشان داد تفاوت‌های چشمگیری بین دانشجویان مرد و زن کارشناسی زبان خارجی دیده نشد و پاسخ‌ها در کل از نظر کاربردشناختی و ساختاری مناسب بودند. هر دو گروه تمایل به استفاده از راهبردهای متداول درخواست غیرصریح داشتند.

احمد یوسف و آملیا^۵ (۲۰۱۸) برای نمایش کنش‌های گفتاری درخواست در انگلیسی، از دو فیلم که به زبان انگلیسی بودند، استفاده کردند. هدف این پژوهش معرفی راهبردها و عملکردها و ارتباط بین استفاده از راهبردها و عملکردهای درخواست در انگلیسی بود که در چندین فیلم با درجات مختلف پیدا شدند. فیلم‌ها برای کودکان و بزرگترها نمایش داده شدند. فیلم‌های انتخابی در درجه مخاطبین

محدث (۱۳۹۲) به بررسی سه متغیر فاصله اجتماعی، تسلط اجتماعی و جنسیت بر نوع و تعداد راهبردهای درخواست به کاربرده شده توسط دانش‌آموزان نوجوان بیرجندی براساس الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) پرداخت. نتایج پژوهش وی در ارتباط با فاصله و تسلط اجتماعی نشان داد: الف) رابطه معناداری بین فاصله اجتماعی و نوع و تعداد راهبردهای درخواست به کار برده شده توسط دانش‌آموزان نوجوان بیرجندی وجود ندارد. ب) افزایش میزان آشنایی میان گوینده و مخاطب منجر به استفاده از راهبردهای ترکیبی پیچیده‌تر می‌شود. پ) رابطه معناداری بین تسلط اجتماعی، نوع و همچنین، تعداد راهبردهای درخواست توسط آزمودنی‌ها وجود ندارد. ج) کاهش میزان تسلط اجتماعی گوینده نسبت به مخاطب موجب استفاده از راهبردهای ترکیبی پیچیده‌تر می‌شود.

نوگروهو^۱ (۲۰۱۲) به بررسی موضوع «تجزیه و تحلیل کنش گفتاری درخواست در زنان و مردان زبان‌آموز انگلیسی، و چگونگی بیان درخواست توسط زبان‌آموزان انگلیسی مرد و زن اندونزیایی» طبق الگوی کنش گفتاری درخواست بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد هر دو گروه جنسیتی از راهبردهای درخواست مشابه و اصلاحات در شش سناریو، فقط با اندکی تفاوت استفاده کردند. در استفاده از راهبردها، علاوه بر تعدیل‌کننده‌ها، کاهنده‌ها برای هر دو گروه جنسیتی شامل نشانگرهای ادب و دلایل حمایت‌کننده بود. با توجه به این راهبردهای درخواست، می‌توان گفت که زنان نسبت به مردان در تولید درخواست‌های خود غیرصریح هستند. پاسخ‌دهندگان زن از درخواست‌های مودبانه و غیرصریح بیشتری استفاده کردند، درحالی‌که مردان اینگونه نبودند. مؤلفه‌های تعدیل‌کننده مورد استفاده زنان نیز بیشتر از مردان بود. باوجوداین، نتایج پژوهش به‌عنوان یک تعمیم در مورد چگونگی درخواست‌های زبان‌آموزان انگلیسی مرد و زن اندونزیایی به حساب نمی‌آید، زیرا تعداد آزمودنی‌ها در این مطالعه نسبتاً کم است، یعنی فقط ۳۵ مرد و ۳۵ زن. برای حمایت بیشتر از یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های این مطالعه، تحقیقات بیشتری شامل یک نمونه بسیار بزرگتر باید انجام شود.

هاشمیان (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی مطالعه کاربردی کنش گفتاری درخواست توسط زبان‌آموزان ایرانی زبان انگلیسی و گویندگان بومی کانادایی انگلیسی زبان

2. E. Olshtain
3. M. Alzeebaree & Y. Yavuz
4. A. Cohen
5. F. Amelia

1. N. Nugroho

غیرصریح گوینده بیشتر از آنچه واقعا می‌گوید با تکیه بر اطلاعات پس‌زمینه‌ای مشترک خود و شنونده، هم‌زمانی و هم‌غیرزمانی، ارتباط برقرار می‌کند. درخواست‌ها پیش‌رخداد هستند: به این معنی که انتظارات گوینده از شنونده را در ارتباط با عمل مورد نظر به صورت کلامی یا غیرکلامی نشان می‌دهند. شنونده می‌تواند درخواست را به‌عنوان تحمیل یا آزادی عمل یا حتی به‌عنوان نمایش قدرت تعبیر کند. گوینده ممکن است به دلیل ترس از نشان دادن نیاز خود یا به خطر انداختن وجهه شنونده در بیان درخواست خود تردید کند (بلام-کالکا و همکاران، ۱۹۸۹).

بلام-کالکا و اولشتاین (۱۹۸۴) درباره چارچوب روش‌شناسی الگوی درک کنش‌های گفتاری میان‌فرهنگی اینگونه می‌نویسند: چارچوب روش‌شناسی این الگو به منظور مطالعه درخواست و عذرخواهی، بر این فرض است که تنوع در درک کنش‌های گفتاری در بافت ممکن است حداقل از سه منبع تنوع میان‌فرهنگی، تنوع اجتماعی-کاربردی و تنوع بین‌زمانی نشأت گرفته باشد. بنابراین ممکن است تفاوت‌های نظام‌مندی در درک الگوی کنش‌های گفتاری وابسته به محدودیت‌های اجتماعی در یک موقعیت وجود داشته باشد. برای مثال، درخواست از یک مافوق در یک فرهنگ ممکن است بر درخواست از فردی که در موقعیت اجتماعی پایین قرار دارد، غیرصریح‌تر باشد (بلام-کالکا و اولشتاین، ۱۹۸۴: ۱۹۷). در الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹: ۲۷۸)، راهبردهای درخواست زیر از بیشترین تا کمترین میزان صراحت مرتب شده‌اند:

درخواست وجهی: وجهه دستوری سخن توسط منظور غیربیانی درخواست مشخص می‌گردد. متداول‌ترین نوع این راهبرد، امری‌ها می‌باشند. باوجوداین، از نظر نقش، ساختارهای مصدری و جملات محذوف از جنبه صریح بودن در سطحی مشابه با امری‌ها قرار دارند.

کنش صریح: منظور غیربیانی گوینده به‌طور صریح توسط افعال غیربیانی مربوط بیان می‌گردد.

کنش تعدیلی: افعال غیربیانی که به‌منظور درخواست بکار برده می‌شوند، به افعال وجهی یا افعال بیان‌کننده قصد و هدف تعدیل می‌گردند.

درخواست بیانی: منظور غیربیانی گوینده به‌طور صریح از طریق مضمون معنایی بیان مشخص می‌شود.

اظهار خواسته: راهبردی است که در آن پاره‌گفتار

عام^۱ (تمام مخاطبین) با نام فیلم جهان هیولاها و درجه مخاطبین پیشنهادی والدین^۲ (مخاطبین تمام سنین ولی با راهنمایی والدین) با نام فیلم یخبندان انتخاب شدند. راهبردهای کنش گفتاری درخواست طبق طبقه‌بندی نظری ترزبورگ^۳ (۱۹۹۵) بودند. نتایج حاکی از آن بود که تفاوت‌های چشمگیری در راهبردها و عملکردهای دو فیلم دیده نشد. افراد در هر دو فیلم از چهار راهبرد استفاده کردند، یعنی درخواست غیرصریح، شرط شنونده-محور، شرط گوینده-محور و درخواست صریح. آن‌ها همچنین پنج عملکرد مشابه را نشان دادند: درخواست برای اقدام^۴، درخواست اجازه^۵، پیشنهاد^۶، دعوت^۷ و اظهار^۸. بیشترین راهبرد و عملکرد مورد نیاز، درخواست صریح و درخواست برای اقدام بود. به‌طور کلی، رایج‌ترین راهبردها مربوط به درخواست صریح بود که گویندگان به صورت صریح درخواست خود را بیان کردند. برای بیان درخواست، موقعیت و شرایطی که گوینده درخواست در آن قرار داشت مهم بود. همچنین، فاصله و تسلط اجتماعی بین درخواست‌کننده و مخاطب حائز اهمیت بود. به‌علاوه، کنش گفتاری درخواست همیشه به‌صورت صریح بیان نشد، اما با توجه به دانش و شناخت قبلی بین درخواست‌کننده و مخاطب می‌توانست به صورت غیرصریح نیز بیان شود.

چارچوب نظری پژوهش

از دیدگاه بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹)، مفاهیم غیرصریح و مودب‌بودن نقش مهمی در مفهوم وجهه در کنش‌های گفتاری مانند درخواست دارند. درخواست یک عمل دستور دهنده و یک رویداد پینموش رخداد است که وجهه شخص را در طول مکالمه مشخص می‌کند. به‌گفته براون و لوینسون (۱۹۸۷)، درخواست‌ها اساساً کنش‌های تهدید وجهه هستند، زیرا قصد دارند وجهه سلبی مخاطب (به‌عنوان مثال، آزادی عمل و آزادی از تحمیل) را تهدید کنند. به پیروی از مدل ادب، یک درخواست ممکن است با استفاده از راهبردهای زبانی صریح توسط درخواست‌های غیرصریح گوینده ایجاد شود. با توجه به آراء سرل (۱۹۶۹)، در کنش‌های گفتاری

1. general audiences
2. parental guidance suggested
3. A. Trosborg
4. request for action
5. request for permission
6. offer
7. invitation
8. proposal

بیان شده، خواست گوینده را از طریق رویدادی که بر موضوع دلالت می‌کند، مشخص می‌سازد.

قالب پیشنهادی: منظور غیربیانی به صورت یک پیشنهاد مطرح می‌شود.

آماده‌سازی: پاره‌گفتار شامل ارجاع به شرایط آماده‌سازی شخص برای سهولت بیان درخواست، با توجه به توانایی، تمایل یا امکان شخص می‌باشد.

اشاره قوی: منظور غیربیانی سریعاً قابل درک از گفتار نیست. با وجود این، گفتار به عناصر مرتبط در کنش غیربیانی و یا کنش‌های پیش‌درخواست اشاره دارد. برخلاف راهبرد آماده‌سازی، اشاره‌ها مرسوم نیستند و درخواست به فعالیت استنباطی بیشتری از سوی شنونده نیازمند است.

اشاره کوتاه: گفتار شامل عناصری که فوراً با منظور غیربیانی ارتباط برقرار کند، نیست و نیازمند تحلیل بافت و شناخت طرفین گفت‌وگو می‌باشد.

زاویه دید^۱: انتخاب زاویه دید نشان‌دهنده‌ی منبع مهمی از تنوعات در کنش درخواست است. درخواست می‌تواند از زاویه دید شنونده، گوینده، هر دو طرف و یا بدون کنشگر بیان شود. بر این اساس، انواع زاویه دید عبارتند از: الف) زاویه دید شنونده‌محور، ب) زاویه دید گوینده‌محور، پ) زاویه دید شنونده-گوینده‌محور و ت) زاویه دید غیرشخصی.

کاهنده‌های مرتبه^۲: کاهنده‌های مرتبه به دو گروه نحوی، واژگانی و گروهی تقسیم می‌شوند و ماهیت تحمیلی کنش گفتاری درخواست را تعدیل می‌کنند. پرسش، نفی شرایط آماده‌سازی و بند شرطی از جمله کاهنده‌های نحوی هستند. کاهنده‌های واژگانی و گروهی شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) نشانگر ادب^۳: عنصری اختیاری است که برای دعوت به همکاری، به کنش گفتاری درخواست افزوده می‌شود.

ب) کم‌انگازنده‌ها^۴: تعدیل‌گرهای قیدی که گوینده به کار می‌برد، از شدت فشار درخواست می‌کاهد.

پ) نرم‌گفتارها^۵: تعدیل‌گرهای جمله‌ای یا گزاره‌ای که توسط گوینده به منظور تعدیل اثر درخواست بر شنونده به کار می‌روند.

ت) کمک‌کننده‌ها^۶: واحدهای گفتاری مرسوم که محتوای معنایی با معنای گفتمان‌شان در ارتباط است.

ث) جلب‌کننده‌ها^۷: عناصری که به وسیله گوینده مورد استفاده قرار می‌گیرند، هنگامی که تمایل دارد موافقت شنونده را جلب کند.

مرتبه‌افزاهها^۸: عناصری هستند که نقش آنها افزایش اثر درخواست است.

الف) تشدیدکننده‌ها^۹: تعدیل‌کننده‌های قیدی که توسط گوینده استفاده می‌شوند تا تأثیر درخواست و درجه اطمینان گفتار را افزایش دهند. ب) تشدیدکننده‌های زمانی. پ) نشانگر تحدید^{۱۰}. ت) تکرار درخواست (تحت‌لفظی یا بوسیله بازگویی). ث) تأکید نگارشی و زبرنجیری: خط کشیدن زیر واژه‌ها، استفاده از علامت تعجب و علامت مکث، تکیه و آهنگ کلام برای تأثیر بیشتر کلام است.

تقاضاهای پشتیبان^{۱۱}: در استفاده از انواع خاص تقاضاهای پشتیبان، گوینده می‌خواهد تأثیر درخواستش را افزایش یا کاهش دهد.

۱) تقاضاهای پشتیبان کاهنده شامل: الف) آماده‌سازها^{۱۲}: گوینده مخاطب را برای تأثیر بیشتر درخواست آماده می‌کند. ب) پیش‌تعهدگیری^{۱۳}: به منظور بررسی احتمال امتناع از درخواست، گوینده تلاش می‌کند تا مخاطب را قبل از گفتن درخواست متقاعد کند. پ) زمینه‌سازها^{۱۴}: گوینده دلیل و توضیحی برای درخواستش می‌آورد. ت) خلع سلاح‌کننده‌ها^{۱۵}: گوینده تلاش می‌کند تا اعتراض و مخالفت شنونده را بین درخواست‌هایی که ممکن است تحمیلی بر روی مخاطب باشد، از بین ببرد. ث) قول پاداش: به منظور جذاب‌تر کردن درخواست در دید مخاطب و افزایش پذیرش آن، گوینده پاداشی به مخاطب پیشنهاد می‌کند. ج) کاهنده‌ی تحمیل^{۱۶}: گوینده سعی می‌کند میزان تحمیل ناشی از بیان درخواستش را کاهش دهد.

6. cajolers
7. appealer
8. upgraders
9. intensifier
10. determination marker
11. supportive moves
12. preperators
13. getting a precommitment
14. grounders
15. disarmers
16. imposition minimizer

1. perspective
2. downgrader
3. politeness marker
4. understater
5. downtoner

اجتماعی بالاتر فرد نسبت به مخاطبش ($X > Y$) و موقعیت‌های چهارم و ششم به عنوان وضعیت تسلط اجتماعی پایین‌تر فرد نسبت به مخاطبش ($X < Y$) در نظر گرفته شد. برای توصیف و تحلیل داده‌های مستخرج از پرسش‌نامه تکمیل‌گفتمان (DCT) و روش ایفای نقش، ابتدا راهبردهای درخواست بر اساس الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) شناسایی، استخراج، کدگذاری، توصیف و تحلیل شدند. در تحلیل آماری داده‌ها، ابتدا، فراوانی، درصد فراوانی و میانگین کاربرد هر یک از راهبردهای درخواست از طریق رسم جدول مشخص گردید. سپس، از آزمون خی دو یا مجذور کای^۳ برای نشان دادن معناداری تأثیر تسلط اجتماعی مخاطب بر نوع و تعداد راهبردهای درخواست به‌کاربرده شده توسط دختران گویشور بلوچی سرحدی استفاده شد.

توصیف و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا، نمونه‌هایی از راهبردهای درخواست کردن در زبان بلوچی سرحدی که توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران جوان دانشجوی کارشناسی‌ارشد گویشور این گویش با توجه به تسلط اجتماعی مخاطب به‌کاربرده شده‌اند، بر اساس الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) طبقه‌بندی و به همراه نمونه‌مثال‌های مستخرج از پرسش‌نامه تکمیل‌گفتمان و روش ایفای نقش معرفی و توصیف می‌شوند.^۴ سپس، راهبردهای مورد بررسی بر مبنای نوع و تعداد مورد تحلیل آماری قرار می‌گیرد.

آگاه‌کننده‌ها

الف: عنوان / نقش

(1) *ostad*

«استاد»

ب) نام خانوادگی

(2) *gandzæli*

«گنجلی»

پ) نام

(3) *nazgol*

«نازگل»

ت) عبارت محبت‌آمیز

(4) *æziz dzan*

«عزیز جان»

۲) تقاضاهای پشتیبان تشدیدکننده^۱ شامل: الف) توهین^۲: به‌منظور افزایش قدرت تحمیل درخواست، گوینده آن را با توهین شروع می‌کند. ب) تهدید: گوینده به‌منظور اطمینان از درخواستش مخاطب را با نتایج ناشی از عدم قبول درخواست تهدید می‌کند.

روش پژوهش

آزمودنی‌های پژوهش ۶۰ دختر گویشور بلوچی سرحدی شامل ۳۰ دختر نوجوان دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۵ سال و ۳۰ دختر جوان دانشجوی کارشناسی‌ارشد ۲۵ تا ۲۸ سال بودند. دانش‌آموزان در دوره تحصیلی متوسطه اول به‌طور تصادفی از مدرسه‌ی زینیه شهرستان خاش انتخاب شدند. دانشجویان کارشناسی‌ارشد در حال تحصیل در رشته‌های مختلف در دانشگاه سیستان و بلوچستان بودند. به‌منظور همگن نمودن داده‌ها، در بخش اول پرسش‌نامه (بخش مشخصات فردی) اطلاعاتی در ارتباط با سن، محل تولد، محل زندگی و مقطع تحصیلی از آزمودنی‌ها خواسته شد تا دانش‌آموزان و دانشجویانی انتخاب شوند که از سطح یکسانی برخوردار باشند. گردآوری داده‌های پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۹/۰۷/۱ تا ۱۳۹۹/۱۱/۱ انجام شد. برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه آزمون تکمیل‌گفتمان (DCT) توسط دانش‌آموزان و دانشجویان ارشد دختر گویشور بلوچی سرحدی تکمیل شد. سؤالات پرسش‌نامه به سبک محاوره‌ای بلوچی سرحدی تنظیم گردید تا از اثرات احتمالی رسمی بودن نوشتار فارسی بر پاسخ گویشوران تا حد ممکن اجتناب شود. برای بررسی عامل قدرت یا تسلط اجتماعی مخاطب بر راهبردهای درخواست توسط دختران گویشور بلوچی سرحدی، مخاطب آن‌ها در هر موقعیت ۶ نفر بود که شامل ۲ نفر با موقعیت اجتماعی بالاتر (استاد/ دبیر زن)، ۲ نفر با موقعیت اجتماعی برابر (هم‌کلاسی دختر) و ۲ نفر با موقعیت اجتماعی پایین‌تر (نظافتچی زن) نسبت به خود گویشور بود. در روش ایفای نقش از ضبط صدای آزمودنی‌ها استفاده گردید. در هر دو روش، از آزمودنی‌ها خواسته شد تا خود را در موقعیت فرضی موردنظر قرار دهند و شیوه درخواست خود از مخاطب مربوط را بیان کنند. در این راستا، موقعیت‌های اول و دوم به‌عنوان وضعیت وجود تسلط اجتماعی برابر بین فرد و مخاطبش ($X=Y$)، موقعیت‌های سوم و پنجم به‌عنوان وضعیت تسلط

3. Chi-square

۴. در برخی از داده‌ها ممکن است بیش از یک راهبردها مشاهده شود. به همین دلیل، فقط زیر راهبردها مورد نظر خط کشیده شده‌است.

1. aggravating supportive moves
2. insult

dzobrani bellet.

«ما می‌خواهیم برای ما کلاس جبرانی بذارین.»
(دانش‌آموز به دبیر در پرسش‌نامه)

(پ) زاویه دید شنونده و گوینده‌محور

(14) *mafma guə hæm tæmiz kænən.*

«ما با هم تمیزشون می‌کنیم.» (دانش‌آموز به خدمه در ایفای نقش)

(ت) زاویه دید غیرشخصی

(15) *bija sel (kæn) awan kælāsana tfe redəf kortæ!*

«بیا ببین! اونا کلاس‌ها رو چه کیف کرده‌اند!»
(دانش‌آموز به خدمه در ایفای نقش)

کاهنده مرتبه

۱- کاهنده نحوی

(الف) پرسش

(16) *foma væqt daret pær mæn touzih dæwet ?*

«شما وقت دارین برام توضیح بدین؟» (دانشجو به همکلاسی در پرسش‌نامه)

(ب) نفی شرایط آماده سازی

(17) *næbi biə zæhmæt dege dzælæsæje fæ mæn mianterm geret.*

«تمیشه بی‌زحمت جلسه بعد از من میانترم بگیرین.»
(دانشجو به استاد در ایفای نقش)

(پ) بند شرطی

(18) *ægæ nætwanet touzih dæwet biə zæhmæt kælāsæ tætil kænət.*

«اگه نمیتونین توضیح بدین بی‌زحمت کلاس رو تعطیل کنین.» (دانشجو به استاد در ایفای نقش)

۲- کاهنده‌های واژگانی و گروهی

(الف) نشانگر ادب:

(19) *biə zæhmæt fera pæ mæn touzih det.*

(ج) «بی‌زحمت این رو برای من توضیح میدین.»
(دانشجو به همکلاسی در پرسش‌نامه)

(ب) کم‌انگارنده‌ها:

(20) *sælām xanom gændzæli bija jak læhzæ pær ma sændæliana tæmi:z kæn tæ ma nenden.*

«سلام خانم گنجعلی! بیا یک لحظه برای ما صندلیا رو

(ث) ضمایر

(5) *mæn / foma*

«من / شما»

(ج) جلب توجه‌کننده‌ها

(6) *bæxfef / sælam*

«بخشید / سلام»

انواع راهبردهای درخواست (مربوط به کنش اصلی)

(الف) درخواست وجهی:

(7) *ostad bi: jæk bar dege touzih dæweti.*

«استاد! میشه یه بار دیگه توضیح بدین.» (دانشجو به استاد در ایفای نقش)

(ب) کنش صریح:

(8) *ostad tra wællah emtæhana bel pæ dege ruətfiə.*

«استاد! تو رو خدا! امتحانو بذارین برای یه روز دیگه.»
(دانشجو به استاد در ایفای نقش)

(پ) کنش تعدیلی:

(9) *bebæxfə twane bijawe fə ni mehmanan pæzirai kænə ?*

«بخشید! میتونین بباین از مهمونام پذیرایی کنین؟»
(دانشجو به خدمه در پرسش‌نامه)

(ت) آماده سازی:

(10) *ostad bi: fera pæ dwaræg touzih dæwet mæn motewædzə næbuton*

«استاد! میشه این قسمت رو دوباره توضیح بدین. متوجه نشدم.» (دانشجو به استاد در ایفای نقش)

(ث) اشاره قوی:

(11) *tæ te kælāsā hozur daftæge ?*

«تو تو کلاس حضور داشتی؟» (دانش‌آموز به همکلاسی در پرسش‌نامه)

زاویه دید

(الف) زاویه دید شنونده‌محور

(12) *bijawet me kælāsā boxarija roufen kænət.*

«بباین بخاری کلاس ما رو روشن کنین.» (دانش‌آموز به خدمه در ایفای نقش)

(ب) زاویه دید گوینده‌محور

(13) *ma loten pær ma kælāsā*

ث) تأکید نگارشی و زبرزنجیری:

(28) *me kælase sændælijan reḡæn !*

«سندلیای کلاس ما کثیفن!» (دانشجویه خدمه در

پرسش نامه)

تقاضاهای پشتیبان:

۱- تقاضاهای پشتیبان کاهنده

الف) آماده سازها:

(29) *twanet fera pæ mæn hæł kænēt ?*

«می تونین این رو برام حل کنین؟» (دانشجو به

همکلاسی در ایفای نقش)

ب) پیش تعهدگیری:

(30) *ægæ lotf kænē fera pæ mæn hæł kænēt mæmnunæ bæin.*

«اگه لطف کنین اینو برای من حل کنین ممنون میشم.»

(دانشجو به همکلاسی در پرسش نامه)

پ) زمینه سازها:

(31) *mæn dærsa motevædzæ næbuton ægæ bi: jæk bar dege touzih dæwet.*

«من درس رو متوجه نشدم. اگه میشه یه بار دیگه

توضیحش بدین.» (دانشجو دختر به استاد در ایفای نقش)

ت) خلع سلاح کنندهها:

(32) *biə zæhmæt twanet sana tæmi:z kænēt mæmnunæ bæjen.*

«بی زحمت می تونین اینارو تمیز کنین؟ ممنون میشیم.»

(دانشجو به خدمه در پرسش نامه)

ث) قول پاداش:

(33) *mæn pær to dzobranæ kænin.*

«من برای شما جبران میکنم.» (دانش آموز به همکلاسی

در پرسش نامه)

ج) کاهندهی تحمیل:

(34) *lotfæn ææ væyt daaret na komæk kænēt.*

«لطفاً اگه وقت دارین به من کمک کنین.» (دانشجو به

خدمه در ایفای نقش)

شکل های ۱ تا ۳ فراوانی و درصد فراوانی نوع راهبردهای درخواست را بر اساس تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی ها در روش تکمیل گفتمان (DCT) و ایفای نقش (RP) نشان می دهد.

تمیز کن که ما بشینیم.» (دانش آموز دختر به خدمه در ایفای نقش)

پ) نرم گفتارها:

(21) *ægiz bi: biə zæhmæt jə sændælijana tæmi:z kænēt.*

«عزیزم! میشه بی زحمت این سندلیا رو تمیز کنین.»

(دانشجو به خدمه در ایفای نقش)

ت) کمک کنندهها:

(22) *zane xanom ma te tfont ketaba moskel daren ægæ bi pær ma kælase fo bellet.*

«میدونی خانم؟ ما تو چنتا کتاب مشکل داریم. اگه میشه

برای ما کلاس فوق بذارین» (دانش آموز به دبیر در

پرسش نامه)

ث) جلب کنندهها:

(23) *ti dæftæra de ke gesa bærinī benvisin mæn nædr pær to dæwe na ja næ ?*

«دفتر تو بده به من که ببرم خونه بنویسم، قربونت برم

میدی بهم یا نه؟» (دانش آموز به همکلاسی در ایفای نقش)

مرتبه افزارها

الف) تشدید کنندهها:

(24) *mæn wanan dege dzælæsæje koulæ dæin dzobran kænin.*

«من می خونم. جلسه بعدی قول میدم جبران کنم.»

(دانش آموز به دبیر در ایفای نقش)

ب) تشدید کنندههای زمانی

(25) *some dæftæra sæ kænin zu:t pæ foma bergærdænin.*

«سعی می کنم دفتر شما رو زود بهتون برگردونم.»

(دانشجو به همکلاسی در پرسش نامه)

پ) نشانگر تهدید

(26) *ostad hænnu emtæhan mægeret ægæ geret mæn emtæhan nædæin.*

«استاد! الان امتحان بگیرین. اگه بگیرین من امتحان

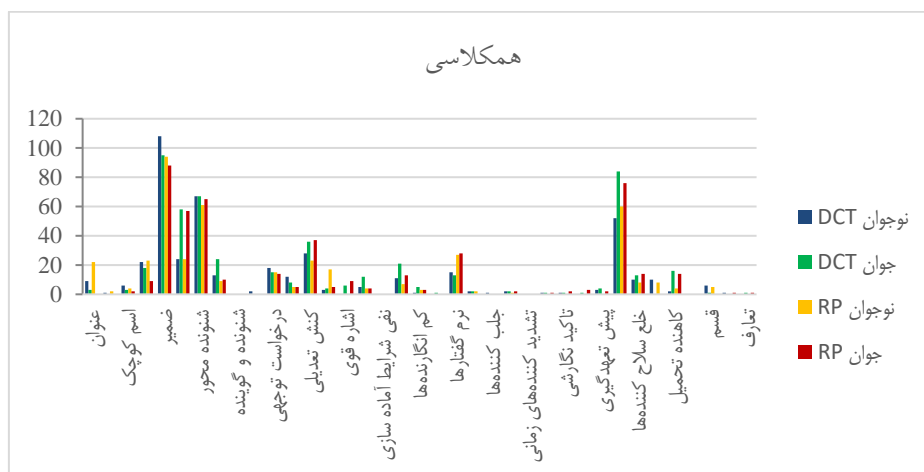
نمیدم.» (دانشجو به استاد در ایفای نقش)

ت) تکرار درخواست:

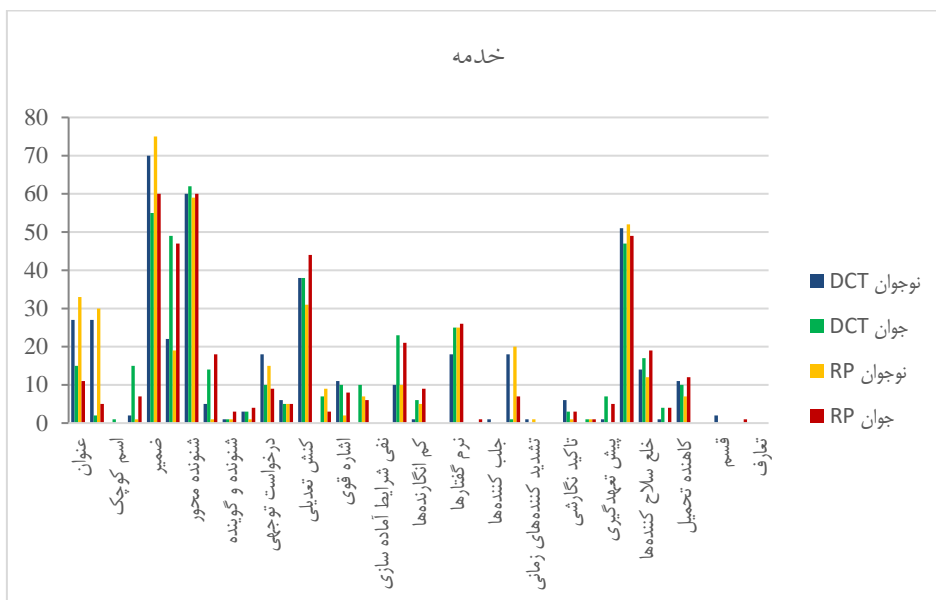
(27) *ti dæftæra luətin benvisin. ti dæftæra lazem darin.*

«دفتر تو میخوام بنویسم، دفتر تو لازم دارم.»

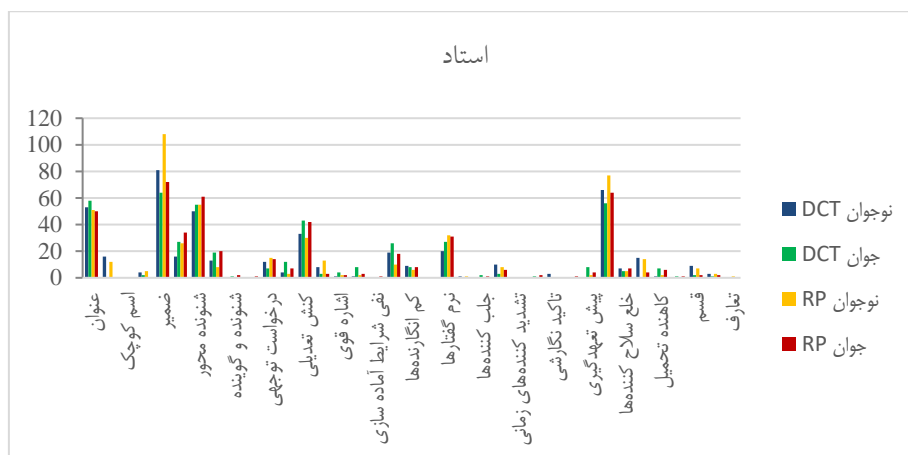
(دانش آموز به همکلاسی در پرسش نامه)



شکل ۱. نوع راهبردها - تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها



شکل ۲. نوع راهبردها - تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها



شکل ۳. نوع راهبردها - تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها

(همکلاسی)، دختران نوجوان بیشتر «شنونده‌محور» و دختران جوان از «زمینه‌سازها» بیشترین میزان استفاده را داشتند. در موقعیت قدرت اجتماعی بالاتر نسبت به مخاطب (خدمه)، دختران نوجوان و جوان بیشتر از «زمینه‌سازها» استفاده کردند. در موقعیت قدرت اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب (استاد)، هر دو گروه آزمودنی‌ها بیشتر «شنونده‌محور» بودند. در جدول ۱، نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه معناداری بین تسلط اجتماعی مخاطب و به‌کارگیری نوع راهبردهای درخواست بر اساس سن آزمودنی‌ها نشان داده شده است.

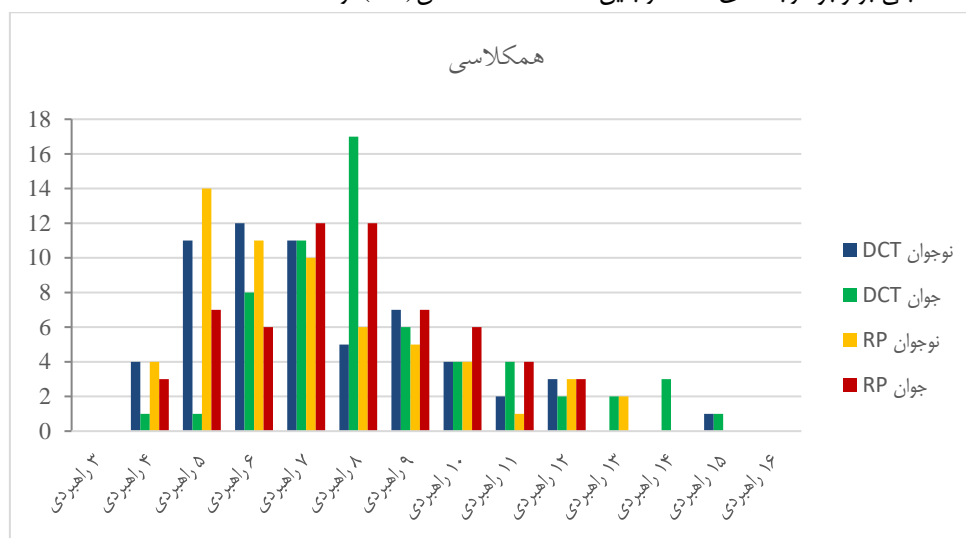
مطابق شکل‌های ۱ تا ۳، در پرسش‌نامه تکمیل گفتمان، در موقعیت قدرت اجتماعی برابر نسبت به مخاطب (همکلاسی)، دختران نوجوان از درخواست «وجهی» و دختران جوان از «زمینه‌سازها» بیشترین میزان استفاده را داشتند. در موقعیت قدرت اجتماعی بالاتر نسبت به مخاطب (خدمه)، دختران نوجوان بیشتر از «زمینه‌سازها» و دختران جوان بیشتر «شنونده‌محور» بودند. در موقعیت قدرت اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب (استاد)، هر دو گروه آزمودنی‌ها بیشتر از «زمینه‌سازها» استفاده کردند. از سوی دیگر، در روش ایفای نقش در موقعیت قدرت اجتماعی برابر نسبت به مخاطب

جدول ۱. آزمون خی دوی مربوط به رابطه بین تسلط اجتماعی مخاطب و نوع راهبردها بر اساس سن آزمودنی‌ها

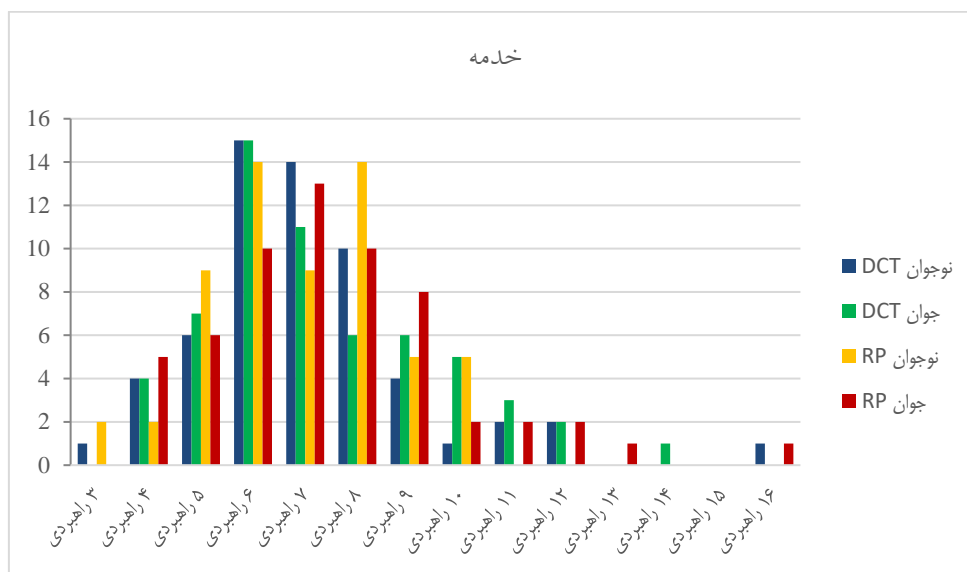
نوع آزمون	تسلط اجتماعی مخاطب	آماره آزمون	درجه آزادی df	معنی‌داری sig	نتیجه آزمون
پرسش‌نامه تکمیل گفتمان (DCT)	همکلاسی	16/078	8	0/041	تأیید فرضیه
	خدمه	2/953	8	0/937	رد فرضیه
	استاد	4/144	8	0/844	رد فرضیه
روش ایفای نقش (RP)	همکلاسی	0/9010	5	0/109	رد فرضیه
	خدمه	0/9418	9	0/4	رد فرضیه
	استاد	0/9888	8	0/303	رد فرضیه

اجتماعی مخاطب و نوع راهبردهای به‌کار گرفته شده بر اساس سن آزمودنی‌ها در روش ایفای نقش در همه‌ی موقعیت‌های تسلط اجتماعی مخاطب رد می‌شود. در شکل‌های ۴ تا ۶ فراوانی و درصد فراوانی تعداد راهبردهای درخواست بر اساس تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها در روش تکمیل گفتمان (DCT) و ایفای نقش (RP) ارائه شده است

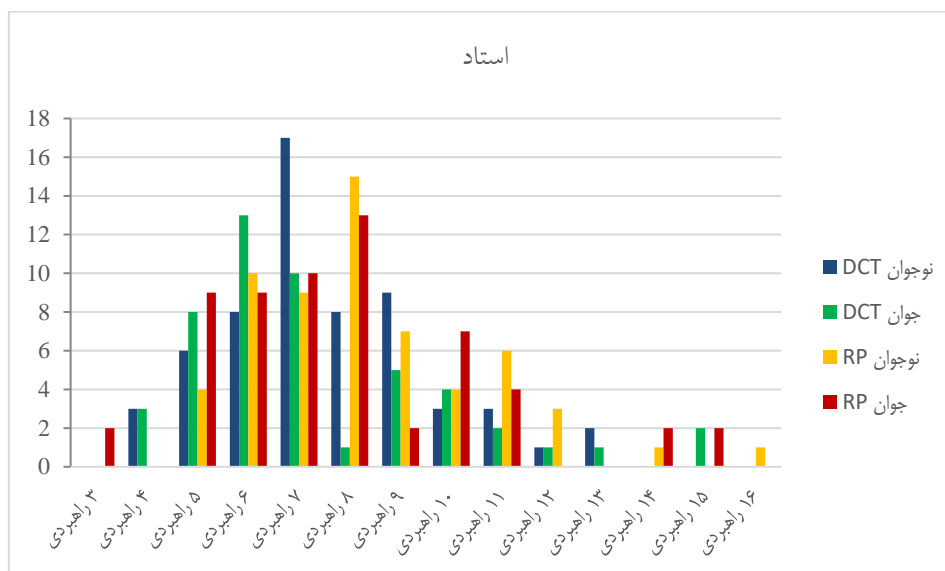
مطابق جدول ۱، بخش نخست فرضیه ۱ مبنی بر وجود رابطه‌ای معنادار بین تسلط اجتماعی مخاطب و نوع راهبردهای به‌کار گرفته شده بر اساس سن آزمودنی‌ها در آزمون تکمیل گفتمان، تنها در تسلط اجتماعی برابر مخاطب (همکلاسی) تأیید می‌شود و در سایر موقعیت‌های وجود تسلط اجتماعی مخاطب تأیید نمی‌شود. همچنین، بخش دیگر فرضیه ۱، مبنی بر وجود رابطه‌ای معنادار بین تسلط



شکل ۴. تعداد راهبردها-تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها



شکل ۵. تعداد راهبردها-تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها



شکل ۶. تعداد راهبردها-تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها

راهبردهای ترکیبی ۵ تایی و دختران جوان از راهبردهای ترکیبی ۷ تایی بیشترین میزان استفاده را داشتند. در موقعیت تسلط اجتماعی بالاتر نسبت به مخاطب (خدمه)، دختران نوجوان بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۶ تایی و دختران جوان از راهبردهای ترکیبی ۷ تایی استفاده کردند. در موقعیت قدرت اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب (استاد)، هر دو گروه آزمودنی‌ها بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۸ تایی استفاده کردند. جدول ۲، نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه بین تسلط اجتماعی مخاطب و بکارگیری تعداد راهبردهای درخواست بر اساس سن آزمودنی‌ها در دو روش آزمون تکمیل گفتمان و روش ایفای نقش را نشان می‌دهد.

بر اساس شکل‌های ۴ تا ۶، در پرسش‌نامه تکمیل گفتمان، در موقعیت تسلط اجتماعی برابر نسبت به مخاطب (همکلاسی)، دختران نوجوان بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۱۲ تایی و دختران جوان از راهبردهای ترکیبی ۸ تایی بیشترین میزان استفاده را داشتند. در موقعیت تسلط اجتماعی بالاتر نسبت به مخاطب (خدمه)، دختران نوجوان و جوان بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۶ تایی استفاده کردند. در موقعیت تسلط اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب (استاد)، هر دو گروه آزمودنی‌ها بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۷ تایی استفاده کردند. علاوه بر این، در روش ایفای نقش در موقعیت تسلط اجتماعی برابر نسبت به مخاطب (همکلاسی)، دختران نوجوان بیشتر از

جدول ۲. آزمون خی دو مربوط به رابطه بین تسلط اجتماعی مخاطب و تعداد راهبردها براساس سن آزمودنی‌ها

نوع آزمون	تسلط اجتماعی	آماره آزمون	درجه آزادی df	معنی داری sig	نتیجه آزمون
آزمون تکمیل گفتمان (DCT)	همکلاسی	23/42	11	0/015	تأیید فرضیه
	خدمه	7/704	11	0/74	رد فرضیه
	استاد	7/584	11	0/669	رد فرضیه
روش ایفای نقش (RP)	همکلاسی	10/662	9	0/3	رد فرضیه
	خدمه	13/924	11	0/237	رد فرضیه
	استاد	14/5	11	0/207	رد فرضیه

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش قبلی تحلیل شد، با توجه به آنچه در شکل‌های ۱ تا ۳ مربوط به فراوانی و درصد فراوانی نوع راهبردها، و شکل‌های ۴ تا ۶ مربوط به فراوانی و درصد فراوانی تعداد راهبردهای درخواست به‌کار برده شده توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران جوان دانشجوی ارشد گویشور بلوچی سرحدی آمده است و همچنین با در نظر گرفتن نتایج آزمون خی دو مربوط به نوع رابطه بین تسلط اجتماعی مخاطب و این متغیرها ارائه شده در جدول‌های ۱ و ۲، میزان معناداری در روش آزمون تکمیل گفتمان (به جز موقعیت برابر مخاطب) بیشتر از $0/05 > P$ است و در روش ایفای نقش نیز در هر سه موقعیت تسلط اجتماعی برابر، پایین‌تر و بالاتر مخاطب میزان معناداری بیشتر از $0/05 > P$ است. بنابراین، رابطه‌ی بین تسلط اجتماعی مخاطب و نوع و تعداد راهبردهای درخواست به‌کار برده شده توسط این دو گروه از دختران گویشور بلوچی سرحدی معنادار نیست. در نتیجه، فرضیه‌های اول و دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین تسلط اجتماعی مخاطب و نوع و تعداد راهبردهای درخواست موردنظر رد می‌شود. این بدین معناست که به صورت کلی هر دو گروه آزمودنی‌ها در مواجهه و درخواست از مخاطب‌های متفاوت از نوع و تعداد راهبردهای درخواست مشابهی استفاده نکرده‌اند. چنین امری در حالی تحقق یافته است که آزمودنی‌ها هم از نظر سن و هم تحصیلات با هم اختلاف قابل توجهی داشته‌اند. براین اساس، کاربرد مشابه و کلی نوع و تعداد راهبردهای درخواست مبتنی بر رابطه بین تسلط اجتماعی مخاطب و سن دختران گویشور بلوچی سرحدی نشان می‌دهد که سن آن‌ها، علی‌رغم وجود تنوع میان گروهی بین آزمودنی‌ها، تأثیری چشمگیر در این خصوص نداشته‌است. به‌علاوه، با توجه به پرسش سوم پژوهش نیز اگرچه در به‌کارگیری راهبردهای درخواست به‌کار رفته توسط آزمودنی‌ها از نظر نوع و تعداد

براساس نتایج بدست آمده از جدول ۲، بخش نخست فرضیه ۲ مبنی وجود رابطه‌ی معنادار بین تسلط اجتماعی مخاطب و تعداد راهبردهای به‌کار گرفته شده بر اساس سن آزمودنی‌ها در آزمون تکمیل گفتمان در تسلط اجتماعی برابر نسبت به مخاطب (همکلاسی) تأیید می‌شود، اما در سایر موقعیت‌های وجود تسلط اجتماعی مخاطب رد می‌شود. همچنین، بخش دیگر فرضیه ۲ مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین تسلط اجتماعی مخاطب و تعداد راهبردهای به‌کار گرفته شده بر اساس سن آزمودنی‌ها در روش ایفای نقش در همه‌ی موقعیت‌های تسلط اجتماعی مخاطب رد می‌شود. افزون‌براین، با توجه به پرسش ۳ پژوهش و شکل‌های ۱ تا ۳ که نوع راهبردها و شکل‌های ۴ تا ۶ که تعداد راهبردها را نشان دادند، مشخص شد نوع و تعداد راهبردهای درخواست مورد بررسی به‌طور کامل مطابق یا الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) بازنمایی نگردید. به‌عنوان نمونه، در پرسش‌نامه تکمیل گفتمان، بیشترین نوع راهبردها توسط دختران نوجوان در برابر مخاطب هم‌کلاسی مربوط به «ضمیر»، «شنونده‌محور» و «زمینه‌سازها» و کمترین راهبردها مربوط به «فامیل»، «کم‌انگارنده» و «جلب‌کننده‌ها» بود. آن‌ها از راهبردهای «نفی شرایط آماده‌سازی»، «تعدیل‌گرها» و راهبرد «شنونده» و «گوینده‌محور» استفاده نکردند. از راهبردهای جدید شامل «قسم»، «ان‌شالله» استفاده کردند. همچنین، بیشترین نوع راهبردها توسط دختران جوان در برابر مخاطب هم‌کلاسی، مربوط به «ضمیر»، «شنونده‌محور» و «زمینه‌سازها» و کمترین راهبردها مربوط به «تکرار درخواست»، «تأکید نگارشی» و «آماده‌سازها» بود. آنان از راهبردهای «فامیل»، «نفی شرایط آماده‌سازی» و «قول پاداش» استفاده نکردند و از راهبردهای جدید «قسم» و «تعارف» استفاده کردند.

می‌توان به استفاده از «اشاره قوی»، «پرسش»، «کاهنده‌های نحوی» و «خلع سلاح کننده‌ها» اشاره نمود. بکارگیری این راهبردها نشان می‌دهد با افزایش تسلط اجتماعی آزمودنی‌ها نسبت به مخاطب، آن‌ها تمایل به افزایش قدرت تحمیل درخواست خود دارند. بنا به گفته‌ی هادسن^۱ (۱۹۹۶)، ارتقای موقعیت اجتماعی زنان به دلیل دارا بودن تحصیلات دانشگاهی، بر عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی و تأثیر بیشتر رسانه‌ها بر افراد جامعه و به‌ویژه نسل جدید، را می‌توان از عوامل دانست که گفتار زنان را به گفتار مردان در استفاده از راهبردهای صریح نزدیک می‌کند. از طرفی، در فرهنگ‌های مختلف میزان توجه به این عوامل با یکدیگر تفاوت دارد و نظر براون و لوینسون (۱۹۸۷) را درباره‌ی تأثیر فاصله و تسلط اجتماعی و تهدید بر انتخاب راهبردهای کلی ادب تأیید می‌کند. اما در موقعیت تسلط اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب، بیشتر درخواست‌های مطرح شده‌ی آزمودنی‌ها «گوینده‌محور» و «صریح» بودند. آن‌ها به‌منظور کاهش اجبار و ماهیت تحمیلی درخواست بنا به مسائل اجتماعی و فرهنگی، درخواست‌ها را به صورت غیرصریح مطرح نمودند و از کنش‌های «تعذیلی»، «آماده‌سازها»، «نرم‌گفتارها» و «شانگرهای ادب» استفاده کردند تا درخواستشان مودبانه‌تر و لطیف‌تر باشد. این نتایج همسو با نتایج هاشمیان (۲۰۱۴)، نوگروهو (۲۰۱۲)، و آلزیاری و یاووز (۲۰۱۷) در استفاده از راهکارهای غیرصریح و مودبانه است. به نظر می‌رسد هر قدر رابطه تسلط اجتماعی قوی‌تر و موقعیت ارتباطی رسمی‌تر باشد، استفاده از شکل‌های مودبانه رایج‌تر است. درواقع، هر چه قدرت اجتماعی مخاطب بالاتر باشد، آزمودنی‌ها بیشتر در حفظ وجهه مخاطب می‌کوشند. از این نظر، نتایج پژوهش حاضر با نتایج محدث (۱۳۹۲) نیز همسو است. در این پژوهش نیز هر دو گروه آزمودنی انواع راهبردهای درخواست مشابهی را در موقعیت‌های مشابه به کار برده‌اند. از سوی دیگر، تأثیر قدرت (تسلط اجتماعی) مخاطب بر کاربرد نوع راهبردها در خطاب به همکلاسی همسو با نتایج زینلی دستویی (۱۳۹۰) و در خطاب به خدمه و استاد غیرهمسو با نتایج پژوهش او می‌باشد. این ناهمسوئی شاید به‌علت تفاوت در گروه آزمودنی‌ها و نوع کنش گفتاری مورد بررسی در این پژوهش‌ها باشد.

افزون بر این، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مطابق شکل‌های ۴ تا ۶ و تعداد راهبردهای درخواست، نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که در پرسش‌نامه تکمیل‌گفتمان آزمودنی‌ها در موقعیت تسلط اجتماعی برابر با مخاطب، دختران

بازنمایی کامل پیش‌بینی شده در الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) تحقق نیافت، ولی این راهبردها در اکثریت قریب به اتفاق مطابق با این الگو بازنمایی گردیده‌اند.

درواقع، با نگاهی به شکل‌های ۱ تا ۶ می‌توان کاربرد حداکثری نوع و تعداد راهبردهای درخواست توسط هر دو گروه از آزمودنی‌ها را از بیشترین تا کمترین راهبردها و ترکیب آن‌ها و نیز عدم کاربرد اندکی از آن‌ها را آن‌گونه که در الگوی پژوهش مطرح شده‌اند، مشاهده کرد. افزون‌براین، پس از بررسی راهبردهای درخواست و طبقه‌بندی آن‌ها راهبردهای جدیدی در داده‌های پژوهش یافت شد که در این الگو به‌طور مشخص ذکر نشده‌است. این راهبردها شامل «قسم» (خوردن) است که می‌توان آن را زیرمجموعه‌ای از تشدیدکننده‌های درونی ابزار منظورنما در نظر گرفت. همچنین، «ان‌شالله» (چنانچه خدا بخواهد) که مربوط به مسائل دینی و عقیدتی است و مسلمانان عقیده دارند گفتن «ان‌شالله» در هر کاری مطلوب است: «و هیچ‌گاه با قطعیت مگو که فردا چنین کاری انجام خواهد داد، مگر آن‌که آن را وابسته به خواست و مشیت پروردگارنمایی» (قرآن، سوره کهف، آیه ۲۳ و ۲۴). بنابراین، افراد اراده‌ی خداوند را در همه‌ی امور دخیل و انجام کارهای خود را مشروط به اراده‌ی او در انجام آن کارها می‌دانند. بعلاوه، «تعارف» (کردن) نیز از راهبردهای جدیدی است که آزمودنی‌ها در انجام درخواست استفاده کردند و در فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان بسیار رواج دارد. باوجوداین، نتایج این پژوهش در تحقق کلی وحداکثری خود با آنچه در الگوی بلام-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) مبنی بر جهانی بودن راهبردهای درخواست، وجود تنوعات میان فرهنگی، اجتماعی-کاربردی و بین‌زبانی ادعا شده است، مطابقت دارد.

افزون‌براین، با توجه به نتایج کلی پژوهش در رابطه با نوع راهبردهای درخواست، آزمودنی‌ها در موقعیت تسلط اجتماعی برابر یا بالاتر نسبت به مخاطب از «آگاه‌کننده‌ها» مانند «عبارات محبت‌آمیز» بیشترین استفاده را داشتند. همچنین، در این موقعیت‌ها بیشتر درخواست‌های مطرح شده «شنونده‌محور» بودند و آزمودنی‌ها تمایل قابل توجهی را در بکارگیری راهبردهای «صریح» و «درخواست وجهی» نشان دادند، که همسو با نتایج احمدیوسف و املیا (۲۰۱۸) در استفاده از راهبردهای «شنونده‌محور» و صریح است. آن‌ها در شرایط قرار گرفتن در موقعیت بالاتر تسلط اجتماعی نسبت به مخاطب از راهبردهایی استفاده کردند که در موقعیت برابر یا پایین‌تر نسبت به مخاطب استفاده‌ی کمتری کردند. از جمله این راهبردها،

(۱۳۹۰) است. این ناهمسویی، همان گونه که اشاره شد، ممکن است به دلیل تفاوت در گروه آزمودنی‌ها و نوع کنش‌های گفتاری مورد بررسی در این پژوهش‌ها باشد.

با توجه به آنچه در تحلیل نتایج و بحث مربوط به رابطه بین تسلط اجتماعی مخاطب و کاربرد نوع و تعداد راهبردهای به کار رفته توسط دختران نوجوان دانش‌آموز و دختران جوان دانشجوی کارشناسی ارشد گویشور بلوچی سرحدی بیان شد، به نظر می‌رسد از جمله دلایل استفاده از انواع و تعداد راهبردهای درخواست مشابه توسط آن‌ها در اکثریت موقعیت‌ها را بتوان به بافت اجتماعی و اعتقاد آن‌ها در حفظ احترام به دیگران فارغ از موضوع تسلط اجتماعی مخاطب و سن آزمودنی‌ها طبق احادیث دینی و فرهنگ اسلامی آنان قلمداد کرد، که تبیین دقیق دلایل چنین امری، به نوبه خود، نیاز به پژوهش گسترده فرهنگی، اجتماعی، و مذهبی جداگانه‌ای دارد.

از نتایج پژوهش حاضر در آموزش زبان، انجام پژوهش‌های فرهنگی، زبان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناختی و قوم‌نگاری می‌توان برای انجام پژوهش‌های گسترده‌تر استفاده کرد. یادگیری یک زبان جدید علاوه بر یادگیری واژه‌ها و دستور آن نیازمند آشنایی با فرهنگ، آداب و رسوم و اصول ارتباطی مانند حالات چهره، حرکات بدن و ... نیز می‌باشد. در این راستا، با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توان به اهمیت بسیاری از مقولات از جمله برقراری ارتباط درست و مناسب، آشنایی با فرهنگ و باورهای دینی و درک بهتر دانش‌آموزان و دانشجویان گویشور بلوچی سرحدی پی برد. علاقه‌مندان به پژوهش‌های آموزشی در قسمت مربوط به گویش‌های مختلف از جمله بلوچی سرحدی می‌توانند با آشنایی و شناخت راهبردهای درخواست مطرح شده در این پژوهش ارتباط بهتر و موثرتری با گویشوران این گویش برقرار کنند.

نوجوان بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۱۲ تایی و دختران جوان از راهبردهای ترکیبی ۸ تایی بیشترین میزان استفاده را داشتند. در موقعیت تسلط اجتماعی بالاتر نسبت به مخاطب، دختران نوجوان و جوان بیشتر از راهبردهای ۶ تایی و در موقعیت تسلط اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب هر دو گروه آزمودنی‌ها بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۷ تایی استفاده کردند. علاوه بر این، در روش ایفای نقش، در موقعیت تسلط اجتماعی برابر با مخاطب، دختران نوجوان بیشتر از راهبردهای ۵ تایی و دختران جوان از راهبردهای ۷ تایی بیشترین میزان استفاده را داشتند. در موقعیت تسلط اجتماعی بالاتر نسبت به مخاطب، دختران نوجوان بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۶ تایی و دختران جوان از راهبردهای ترکیبی ۷ تایی استفاده کردند. در موقعیت تسلط اجتماعی پایین‌تر نسبت به مخاطب، هر دو گروه آزمودنی‌ها بیشتر از راهبردهای ترکیبی ۸ تایی استفاده کردند. این نتایج به صورت کلی نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها در موقعیتی با تسلط اجتماعی برابر یا پایین‌تر نسبت به مخاطب از راهبردهای ترکیبی بیشتر به منظور افزایش احتمال پذیرش درخواست توسط مخاطب و همچنین کاهش میزان تحمیل درخواست خود استفاده می‌کنند. موضوع استفاده از راهبردهای ترکیبی بیشتر با مخاطب دارای تسلط اجتماعی برابر (همکلاسی) موضوعی است که مطالعه بیشتری را در رفتار زبانی نسل‌های جدید می‌طلبد. طبق جدول ۲، بین تعداد راهبردهای استفاده شده توسط آزمودنی‌ها و تسلط اجتماعی مخاطب در آزمون تکمیل گفتمان و در روش ایفای نقش ارتباط معناداری وجود ندارد. بنابراین، در مجموع، هر دو گروه آزمودنی‌ها راهبردهای ترکیبی مشابهی را در درخواست از همه مخاطب‌های مورد نظر به کار برده‌اند. این نتایج، با نتایج مربوط به تعداد راهبردهای درخواست پژوهش محدث (۱۳۹۲) همسو است. از سوی دیگر، غیرهمسو با نتایج پژوهش زینلی دستویی

منابع

و جنسیت بر نوع و تعداد راهبردهای درخواست بکار برده شده توسط دانش‌آموزان نوجوان در شهرستان بیرجند بر اساس الگوی بلام-کالکا، هاوس و کاسپر (۱۹۸۹). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان. ون‌دایک، تئون. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی. مترجم: گروه مترجمان. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

زینلی دستویی، صدیقه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر قدرت و جنسیت مخاطب بر نوع و تعداد راهبردهای عذرخواهی و رد کردن به کار برده شده توسط دانشجویان سراوانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان. صفوی، کوروش. (۱۳۹۲). درآمدی بر معناشناسی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

محدث، سمیه. (۱۳۹۲). تأثیر فاصله اجتماعی، تسلط اجتماعی

- Ahmad Yusuf, F., & Amelia, F. (2018). Speech act of requests found in different rating films. *Academic Journal Perspective: Language, Education and Literature*, 6(2), 126-143.
- Alzebaree, M., & Yavuz, Y. (2017). Relation of the speech act of request and apology by middle eastern EFL learners. *EURASIA Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 13(11), 7313-7327.
- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Oxford: Oxford University Press.
- Blum-Kulka, S. (1982). Learning how to say what you mean in a second language: A study of the speech act performance of learners of Hebrew as a second language. *Applied Linguist*, 3, 29-59.
- Blum-kulka, S., House, J., & Kasper, G. (1989). *Investigating crosscultural pragmatics: An introductory overview. Cross-cultural pragmatics: Requests and apologies*. Norwood, NJ: Ablex.
- Blum-Kulka, S. & Olshtain, E. (1984). Requests and apologies: A cross-cultural study of speech act realization patterns (CCSARP). *Applied linguistics*, 5(3), 196-213.
- Brown, P., & Levinson, S. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hashemian, M. (2014). A pragmatic study of requestive speech act by Iranian EFL learners and Canadian native speakers in hotels. *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*, 6(2), 55-80.
- Hudson, R. A. (1996). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jahani, C., & Korn, A. (2009). Balochi, In G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian Languages*. (pp. 634-692). London, New York: Routledge.
- Korn, A. (2003). Balochi and the concept of north-western Iranian, In C. Jahani & A. Korn (Eds.), *The Baloch and their neighbours: Ethnic and linguistic contacts in Balochistan in historical and modern times* (pp.49-60). Wiesbaden: Reichert.
- Kuhi, D., & Jadidi, M. (2012). A study of Iranian EFL learners' understanding and production of politeness in three speech acts: Request, refusal and apology. *Theory and practice in language studies*, 2(12), 2624-2633.
- Nugroho, N. (2012). An analysis of the speech act of request by male and female learners of English. *Journal of English Language and Culture*, 2(2), 130-140.
- Olshtain, E., & Cohen, A. (1983). Apology: A speech act set, In N. Wolfson, & E. Judd (Eds.), *Sociolinguistics and language acquisition* (pp. 18-36). Rowley, MA: Newbury House.
- Saeed, J. (2012). *Semantics*. Blackwell Publishing Ltd.
- Searl, J. R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Trosborg, A. (1995). *Interlanguage Pragmatics*. Germany: Walter de Gruyter and Co.



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)